یادداشت

سیری بر مدارس ایران

از مدرسه قدیم تا «مدرسه در منزل» یا «هوم‌اسکولینگ»

نعمت‌الله فاضلی
انسان‌شناس

از لحاظ تاریخی یادگیری در منزل امر دیرینی است. تا پیش از دنیای مدرن آموزش و یادگیری در خانه و مربیگری پدر و مادر امر رایجی بود. در طبقات بالای اجتماعی اغلب پدرها اولین مربیان فرزندانشان بودند و یادگیری الفبا، زبان عربی و ادبیات فارسی و دانش‌های دیگر را به فرزندان‌شان آموزش می‌دادند.

اما با پیدایش ملت-دولت‌های مدرن از قرن هفدهم، به تدریج نظام مدرسه‌ای به‌مثابه یکی از ارکان ملت-دولت و مدرنیته به وجود آمد و در قرن نوزدهم به نهادی همگانی برای جوامع مدرن تبدیل شد. هر کشوری که در آن مدرنتیه تحقق می‌یافت و ملت-دولت شکل می‌گرفت، نظام مدرسه‌ای نیز همراه آن پدید می‌آمد.در ایران نیز در دوره قاجار با پیدایش تحولات مدرن ابتدا به صورت پراکنده مدرسه جدید در کنار مدرسه قدیم به وجود آمد. شخصیت‌هایی مانند میرزاحسن رشدیه نقش کلیدی در شکل‌دهی و گسترش مدرسه جدید داشتند. ویژگی مهم مدرسه جدید این بود که تعلیم و تربیت یا آموزش و پروش یعنی یادگیری و آموزش سواد ازجمله وظایف دولت‌ها تلقی شد. نهاد مدرسه جدید، نهادی دولتی است که کارکردهای گوناگونی ازجمله آموزش سواد و جامعه‌پذیری سیاسی را بر عهده دارد. درواقع نظام مدرسه‌ای بخشی از فرایند ملت‌سازی در جوامع مدرن است.

اما با انقلاب مشروطه و بعد از آن ظهور دولت پهلوی به منزله اولین دولت مدرن در ایران، نظام مدرسه‌ای به صورت همگانی و سراسری در میان عشایر، روستاها و شهرهای ایران گسترش یافت. معنای این سخن این است که از این زمان به بعد وظیفه آموزش و یادگیری بر عهده دولت‌ها گذاشته شد. برنامه درسی و فضای آموزشی بر اساس ایدئولوژی دولت‌ها و اقتضائات جامعه جدید که جامعه صنعتی و شهری بود شکل گرفت و این روند تا امروز ادامه یافت.اما نهاد مدرسه جدید که بیش از یک قرن از شکل‌گیری آن می‌گذرد با بحران‌ها، چالش‌ها و مسائلی روبه‌رو بود که موجب ظهور الگوهای جدیدی در کنار مدرسه عمومی و دولتی شد. در حال حاضر بیش از صد هزار مدرسه در ایران وجود دارد و گونه‌های متعدد مدرسه نیز در کشور شکل گرفته است. به‌طوری‌که امروزه سازمان مدرسه دیگر سازمانی یکدست و دولتی نیست. اگرچه نزدیک به ۹۰ درصد مدارس در انحصار دولت هستند، اما مدسه‌های موجود از نظر سازوکار سازمانی، برنامه‌های درسی و تجربه‌های آموزشی گوناگون‌اند.یکی از این گونه‌ها که به‌تازگی در ایران رواج پیدا کرده است، هوم‌اسکولینگ یا همان مدرسه در منزل است. پدیده مدرسه در خانه یا مدرسه خانگی معادل هوم‌اسکولینگ، پدیده‌ای است که در دهه‌های اخیر در جهان شکل گرفته و بیشترین ظهور و بروز آن در آمریکاست. اما به تدریج در اروپا و بعد در سال‌های اخیر در ایران نیز ظاهر شده است.

این گونه جدید ویژگی‌ها، زمینه‌ها، علل و پیامدهایی دارد. مهم‌ترین ویژگی مدرسه در منزل این است که دانش‌آموزان به‌ویژه در دوره ابتدایی و کلاس‌های اول و دوم و سوم، الفبا و سواد خواندن و نوشتن را از مادر و پدر خود می‌آموزند. البته عمدتا یادگیری‌ها توسط مادر انجام می‌شود. گاهی معلم خصوصی نیز استخدام می‌شود. پیش از پیدایش مدرسه در منزل استفاده از معلم خصوصی رواج داشت. اگرچه نام مدرسه در منزل به آنها داده نمی‌شد. معلم‌های خصوصی صرفا برای آموزش برخی از دورس مثل ریاضی، زبان خارجی و هنرها استخدام می‌شدند. این شیوه بهره‌گیری از معلم خصوصی تاریخچه دیرینی دارد و گستردگی آن در سراسر کشور بسیار بیش از الگوی مدرسه در منزل است. اما استفاده از معلم خصوصی شکلی از مدرسه در خانه نیز هست؛ زیرا معلم‌های خصوصی به منزل دانش‌آموزان می‌روند و در فضا و حال و هوای خانه به دانش‌آموزان دروس مشخصی را آموزش می‌دهند.

اما مدرسه در منزل به شکلی که اکنون در حال گسترش است و الگوی در حال ظهور گونه‌ای از مدرسه است، به آموزش یک یا چند درس خاص اختصاص ندارد، بلکه دانش‌آموزانی که از این‌گونه استفاده می‌کنند، تمامی دروس خود را در خانه فرا می‌گیرند. الگوی مدرسه در منزل چه در خارج از ایران و چه در ایران ناشی از تفاوت‌ها و نارضایتی‌هایی است که خانواده‌ها بین خود و مدرسه قائل‌اند. برای مثال در جامعه آمریکا بخش مهمی از مدرسه در خانه در میان خانواده‌های مذهبی و مسیحی رواج دارد. آنها می‌خواهند فرزندانشان را به شیوه دلخواه دینی خودشان آموزش دهند. البته در آمریکا تنها مذهب نیست که هوم‌اسکولینگ را گسترش داده است. خانواده‌ها نگرانی‌هایی درباره بدآموزی‌های مدرسه به فرزندانشان دارند و می‌خواهند با به‌کارگرفتن معلم خصوصی، باورها، ارزش‌ها و منش دلخواهشان را به فرزاندانشان آموزش دهند.

ویژگی‌های مدرسه در منزل در ایران

در ایران «مدرسه در منزل» ویژگی‌هایی دارد. تا جایی که مطلع هستم این گونه آموزش در بین گروه‌های اجتماعی طبقه متوسط و ثروتمند و برخوردار جامعه رواج دارد. در میان گروه‌های فرودست که تمکن مالی و همچنین دانش و تحصیلات کافی ندارند، امکان بهره‌بردن از مدرسه در منزل وجود ندارد. در سایر کشورها نیز این ویژگی کم‌وبیش دیده می‌شود.

ویژگی دیگر مدرسه در منزل گسترش و تحصیلات آموزش عالی در خانواده‌هاست؛ به‌ویژه گسترش آموزش عالی در میان زنان و مادران این امکان را فراهم کرده است. از سویی مادران از بینش و نگرش انتقادی نسبت به نهاد مدرسه برخوردارند و برنامه‌های درسی مدارس را مغایر با ارزش‌ها و نگرش‌های خانوادگی‌شان می‌دانند و از سوی دیگران مادران از توانایی‌ها، قابلیت‌ها و دانشی برخوردارند که می‌توانند در جایگاه معلم یا مربی فرزندانشان قرار بگیرند یا اینکه معلمان دلخواهشان را در جامعه شناسایی کنند و فرزندان‌شان را به کمک معلمان خصوصی آموزش دهند. ویژگی سوم مدرسه در منزل در ایران آزادی‌های گوناگونی است که این نوع از مدرسه به خانواده‌ها می‌دهد تا بتوانند متناسب با شرایط جسمی و روحی فرزندان آموزش‌ها، مهارت‌ها و شایستگی‌ها دلخواهشان را فرا بگیرند. در کتاب «مسئله مدرسه؛ بازاندیشی انتقادی در آموزش و پرورش ایران» که این روزها منتشر کرده‌ام، نشان داده‌ام نظام مدرسه‌ای در ایران به‌ویژه بعد از انقلاب به‌شدت سیاسی و ایدئولوژیک شده است. سیاسی‌شدن بیش از حد آموزش مدرسه‌ای برای تمام خانواده‌ها پذیرفته نیست. خانواده‌هایی که مایل هستند فرزندان‌شان از ارزش‌ها، نگرش‌ها و فرهنگ امروزی برخوردار شده و شهروند جهانی محسوب شوند، تلاش می‌کنند فرزندانشان را در خانه آموزش دهند تا نیازهای آنها را متناسب با ارزش‌های جهان‌وطنانه و سبک زندگی امروزی پرورش دهند. البته

بخشی از تحولات بزرگ در جامعه ایران در سال‌های اخیر موجب شد که تعداد مدارس در خانه افزایش پیدا کند. شاید مهم‌ترین آنها بحران همه‌گیری کرونا بود. این بحران که تعطیلی مدارس را رقم زد، زمینه‌ای فراهم کرد تا کودکان از مدرسه باز بمانند و وظیفه آموزش کودکان به خانواده به‌ویژه مادران سپرده شود.

در دوران دو سال شیوع ویروس کرونا مادران دریافتند می‌توانند آموزش‌هایی مانند سواد، انشا، ادبیات، حساب، ریاضیات و برخی دروس را بهتر به فرزندانشان آموزش دهند. در عین حال این دوران به خانواده‌ها نشان داد که درباره کودکان هفت تا ۱۰ ساله، یعنی دانش‌آموزان کلاس‌های اول تا سوم بهتر است از نظر بهداشت روانی، سلامت جسمی و نیازهای رشد آنها در خانه و زیر نظر والدین آموزش ببینند. تجربه کرونا البته برای تعداد کم‌شماری از خانواده‌ها این امکان را فراهم کرد که با مدرسه در منزل آشنا شوند و آن را بپذیرند.

همچنین افزایش تنش‌های سیاسی و ایدئولوژیک بین دولت، شهروندان و خانواده‌ها این زمینه را گسترش داد که خانواده‌های بیشتری به فکر آموزش فرزندان‌شان در خانه بیفتند. به میزانی که تنش‌های ایدئولوژیک و سیاسی در روابط میان شهروندان و دولت افزایش پیدا کند، تأثیر آشکاری بر افزایش گرایش خانواده‌ها به آموزش در خانه به فرزندانشان خواهد داشت.در کنار عواملی که ذکر شد، رشد و گسترش رسانه‌ها و تکنولوژی‌های ارتباطی نیز تأثیر آشکاری بر افزایش گرایش خانواده‌های توانمند و مستعد برای آموزش در خانه داشته است. امروزه تلویزیون‌ها، اینترنت و فضای مجازی به منزله آموزش بدیل، امکان‌های آسان و ارزانی برای یادگیری و یاددهی مهارت‌های امروزی در اختیار افراد و خانواده‌ها قرار می‌دهد. افراد می‌توانند از طریق رسانه‌ها و فضای مجازی به یادگیری بسیاری از دروس و مهارت‌های مورد علاقه‌شان مانند زبان‌های خارجی، هنرها و حتی سواد بپردازند.

رسانه‌ها و فضای مجازی از طریق مولتی‌مدیا و برنامه‌های صوتی و تصویری و هنری جذاب مواد آموزشی و برنامه‌های درسی را تولید و عرضه می‌کنند و این انگیزه برای خانواده ایجاد شده است که می‌توانند بدون مدارس همگانی فرزندانشان را باسواد، فرهیخته و آموزش‌دیده کنند. بااین‌حال مدرسه در منزل هنوز در جامعه ایران امری فراگیر نیست و گمان نمی‌کنم به سرعت چنین گونه‌ای فراگیر شود. در سایر کشورها و حتی در آمریکا که خواستگاه چنین مدرسه‌ای بود، هنوز مدرسه در منزل به‌صورت امر همگانی و چشمگیر درنیامده است.

مشکلات مدرسه در منزل

اولین مشکل مدرسه در منزل این است که اکثر خانواده‌ها موقعیت مناسب برای آموزش در خانه برای فرزندانشان را ندارند. دوم اینکه مدرسه در خانه محدودیت‌هایی در زمینه رشد و توسعه فردی فرزندان دارد. بچه‌ها در سنین پایین نیازمند زندگی اجتماعی و همدلی، هم‌سخنی و هم‌بازی هستند. مدرسه همگانی فضایی اجتماعی است که دانش‌آموزان نه‌تنها برنامه درسی رسمی، بلکه برنامه درسی پنهان و زندگی اجتماعی گسترده‌ای دارند که در آن با بچه‌ها و هم‌سن و سال‌های خودشان در گروه‌های اجتماعی گوناگون زندگی می‌کنند و فرایند جامعه‌پذیری آنها طبیعی‌تر و سازگارتر با حیات اجتماعی کلی خواهد بود. ضمن اینکه بچه‌ها برای رشد اعتمادبه‌نفس و یادگیری چگونگی مراوده و همکلامی با دیگران نیاز دارند در محیطی بزرگ‌تر از خانه و خانواده همنشین‌ها و هم‌بازی‌هایی داشته باشند. مدرسه همگانی چنین نیازی را پاسخ می‌دهد. علاوه بر اینها اگرچه مدرسه همگانی به لحاظ سیاسی و اجتماعی با خانواده‌ها متفاوت است و والدین ممکن است تضاد آشکاری با فضای ایدئولوژیک مدرسه داشته باشند، اما این واقعیت را نمی‌توانند نادیده گرفت که اگر بچه‌ها در فضایی بیگانه با تعارض و کشمکش و ارزش‌های سیاسی جامعه رشد کنند، در زندگی اجتماعی و شغلی آینده‌شان با دشواری‌ها و تنش‌هایی روبه‌رو می‌شوند. ازاین‌رو اگرچه خانواده‌ها پذیرای ایدئولوژی رسمی ممکن است نباشند اما قرنطینه‌کردن فرزندانشان دور از ایدئولوژی رسمی و مدرسه لزوما به معنای توانمندساختن فرزندان در جامعه ایران نیست.فرزندان می‌توانند به مدرسه بروند و از طریق والدین یا مجاری دیگر رویکرد انتقادی خود را حفظ کنند. البته دورنگه‌داشتن آنها از نظام مدرسه‌ای می‌تواند به معنای رویکرد انتقادی آنها به ایدئولوژی رسمی هم نباشد. بلکه به معنای منزوی‌کردن فرزندان و ایجاد بیگانگی یا غریبگی سیاسی برای آنها خواهد بود. در مجموع گمان می‌کنم برای گروه‌های محدود و معدودی از جامعه که توان مدرسه در خانه را دارند، همچنان این الگو مطلوب است و در آینده نیز با سرعتی اندک گسترش پیدا خواهد کرد.

مدارس مشارکتی؛ جایی در میانه طیف

چنانچه اشاره کردم در حال حاضر بیش از ۲۰ گونه مدرسه در ایران داریم. بین مدرسه همگانی و مدرسه در خانه، شکل‌های متفاوتی از مدارس وجود دارد که مدرسه مشارکتی یکی از آنهاست. مراکزی که گرچه زندگی اجتماعی برای دانش‌آموزان ایجاد می‌کنند اما در انحصار کامل نظام رسمی آموزش و پرورش نیستند. این شکل‌های گوناگون در طیف میان مدرسه همگانی و مدرسه در خانه فرصتی فراهم می‌کند تا برخی از مشکلات مدرسه همگانی و همچنین مدرسه در خانه برطرف شود. ازاین‌رو می‌توان گفت خانواده‌ها تلاش می‌کنند تا جایی که در توانشان است فرزندانشان را به‌گونه‌ای پرورش دهند که حداکثر قابلیت‌ها و نیازهای امروزی را بیاموزند. این موضوع به تکثر و تنوع گونه‌های مدرسه منجر شده است. البته تکثر الگوهای مدرسه هم پدیده جدیدی نیست. از همان سال‌های ۱۳۳۰ که افرادی مانند توران میرهادی مدرسه فرهاد و سهراب و مدارس دیگری از جمله مدرسه علوی به وجود آمد ایده تنوع‌بخشی مدرسه در ایران ظاهر شد. در دوران پهلوی دوم هم شاهد گسترش گونه‌های متنوع مدرسه بودیم. در همان زمان هم به‌ویژه برای خانواده‌های مذهبی مدرسه در خانه وجود داشت. بسیاری از خانواده‌های مذهبی به‌ویژه روحانیون از فرستادن فرزندانشان به مدرسه پرهیز می‌کردند و خودشان معلمی یا مربی‌گری فرزندانشان را عهده‌دار می‌شدند.

همان‌طورکه پیش‌تر اشاره کردم آن روش امتداد یک سنت تاریخی بود. اما چیزی که امروزه به‌عنوان مدرسه در منزل می‌شناسیم متناسب با موقعیت امروزی جامعه است. مدرسه مشارکتی، مدارس شاهد و الگوهای دیگر مدرسه هرکدام از ویژگی‌ها، مزایا و کاستی‌هایی برخوردارند. روند متنوع‌سازی مدرسه در ایران شکل گرفته و بحران‌های اقتصادی دولت برای تأمین بودجه و تجهیزت آموزشی نیز عامل مهمی در این زمینه است. در سال‌های ۱۳۸۰ به بعد، مدارس غیرانتفاعی با سرعتی پرشتاب رشد کردند. این مدارس اگرچه در چارچوب نظام مقرارتی آموزش و پرورش هستند اما از آزادی‌های خاصی نیز برخوردارند. به هر حال مدرسه در خانه، مدرسه مشارکتی، مدرسه شاهد، طبیعت و... نشان‌دهنده فرایند متنوع‌سازی مدارس در ایران است.

گزارش «شرق» از وضعیت مدارس و شیوه‌های نوین و جایگزین آموزش رسمی

فرصتی برای مدارس آلترناتیو

مریم لطفی
روزنامه‌نگار

دختربچه‌های کم‌سن‌وسالی که با مانتوهای بلند تیره و تار و مقنعه‌های چانه‌دار و پسربچه‌هایی که با سرهای به اجبار تراشیده‌شده زمستان‌های سخت تن رنجور دهه ۶۰ را تاب آوردند و در صف‌های طویل صبحگاهی مدرسه، دست روی شانه همدیگر گذاشتند و از ته گلو فریاد «از جلو نظام، خبردار» سر دادند، فکرش را هم نمی‌کردند که در روزگار دورتری به قول خودشان «ناجی» فرزندانشان از «حصار مدرسه» باشند.

«همیشه فکر می‌کردم مدرسه زندان است و اصلا چه لزومی دارد بچه من حتما میزان مشخصی از درس‌های مختلف را بخواند و در آینده هم چیزی از این یادگیری‌های متعدد در ذهنش باقی نماند؟»؛ این را بهار به «شرق» می‌گوید. مادر جوان ۳۷ ساله‌ای که از پیش از فرزندآوری، به این موضوعات فکر و درباره‌اش مطالعه کرده و با همین ذهنیت شناسایی مدارس آلترناتیو را شروع کرده است؛ مدارسی که گرچه عهده‌دار آموزش کودکان هستند، اما حتی

و این مسئله یکی از چالش‌های پیش‌روی آنهاست. اما همیشه راه‌حل‌هایی وجود دارد. بهار می‌گوید: «با پرداخت پول، بچه‌ها را به صورت صوری در مدرسه‌ای رسمی ثبت‌نام می‌کنیم تا در این مدارس امتحان پایان سال بدهند و مدرک تحصیلی دریافت کنند. البته این راه بی‌دردسرتر است، اما این امکان هم وجود دارد که هر زمان که نیاز بود بچه را برای تعیین سطح به آموزش و پرورش برد و آنجا مدرسه‌ای را برای گرفتن آزمون پایان سال معرفی می‌کنند و بعد مدرک تحصیلی به آنها داده می‌شود».

به گفته بهار، مدیر و مؤسس یکی از همین مدارس در پی تأسیس شعبه‌ای از این مدرسه در کشور کاناداست و با اینکه بچه او در ایران درس خوانده، چون متولد کاناداست، می‌تواند مدرک تحصیلی این مدرسه در کانادا را بگیرد و بدون هیچ مشکلی در همان کشور ادامه تحصیل دهد.

سازوکار مدارس مشارکتی

مدیر مهم‌ترین مدرسه مشارکتی در ایران چند سال پیش در مصاحبه‌ای گفته بود: «در کشورهای مختلف امکان استفاده از آموزش‌های متنوع برای کودکان و خانواده‌ها وجود دارد، درحالی‌که ما تنها مدارس‌مان غیرانتفاعی، تیزهوشان و نمونه‌مردمی است و همه آنها هم تنها از یک شیوه برای آموزش استفاده می‌کنند. ما طرح اولیه را با توجه به مدل‌های جهانی گرفتیم و با توجه به

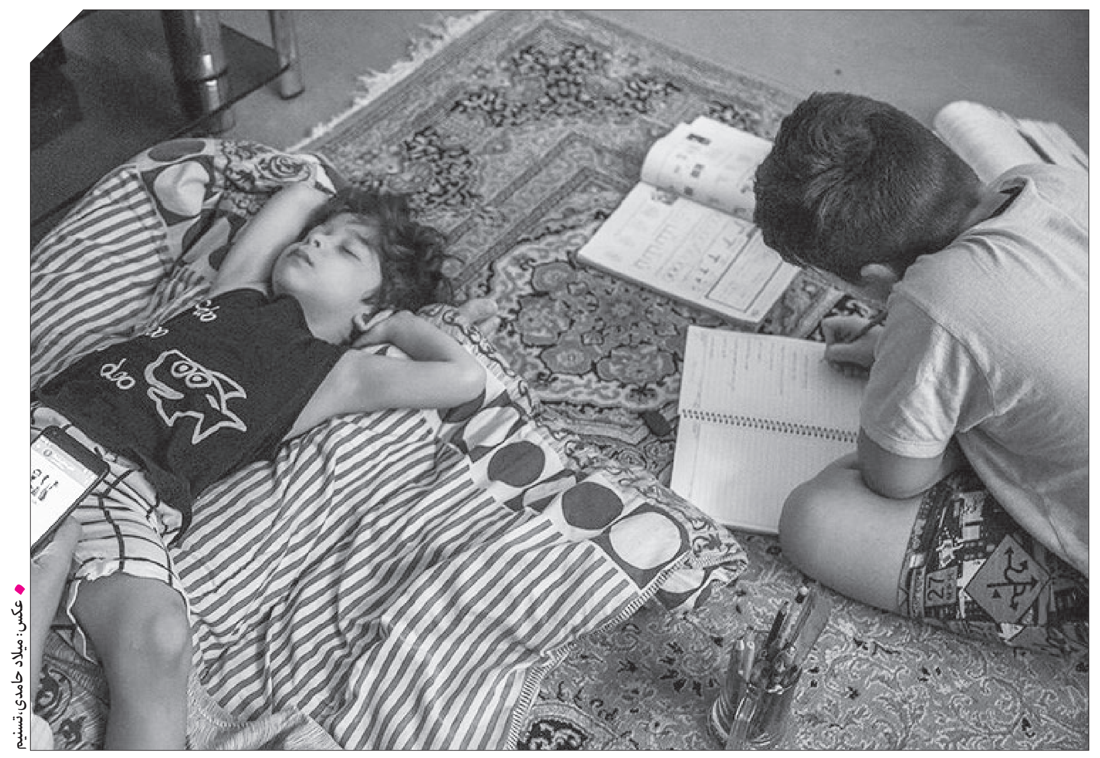

گزارش

مدرسه خانگی راه چاره نیست

مدارس خانگی موافقان و مخالفانی دارد. محمدرضا نیک‌نژاد، معلم و کارشناس آموزش دراین‌باره به «شرق» می‌گوید: «هوم اسکولینگ در ایران نمی‌تواند چندان فراگیر باشد. یکی از دلایل آن وضعیت اقتصادی موجود است که بسیاری از خانواده‌ها از پس تأمین هزینه‌های آن برنمی‌آیند. دلیل دیگر این است که نمی‌تواند پوشش آموزش عمومی را که برای بچه‌ها در نظر گرفته شده است، عملی کند. ما چیزی داریم به نام آموزش و پرورش. بخشی از این آموزش بالابردن دانش عمومی و سواد دانش‌آموزان و بالابردن مهارت‌های دانشی آنها در طی مسیر زندگی فردی و اجتماعی آنهاست و بخش دیگر جامعه‌پذیرکردن نوآموزان و دانش‌آموزان است».

او معتقد است از زاویه اجتماع‌پذیری دانش‌آموزان، انتقاد جدی به مدرسه خانگی وارد است: «در سال‌های اخیر تعداد فرزندان خانواده‌ها کم شده و توجه آنها به پرورش و تربیت کودکان‌شان بیشتر شده است. هرچه پیش‌تر آمده‌ایم، به دلیل موضوعات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، خانواده‌ها به تک فرزندی یا دو فرزندی روی آورده‌اند؛ به‌خصوص در کلان‌شهرها. برای همین دیگر کنش و واکنش مورد نیاز بچه‌ها در خانواده میسر نیست. زمانی بود که هفت، هشت فرزند در خانواده بود و همه با هم در تعامل بودند. حتی در کوچه و محله هم امکان تعامل بچه‌ها با هم بسیار مهیا بود و این موضوع در جامعه‌پذیرکردن کودکان با معیار درست همان زمان و مکان، ممکن بود. در واقع بچه‌ها طوری پرورش پیدا می‌کردند که می‌توانستند گلیم خودشان را از آب همان اجتماع بیرون بکشند».

او به‌عنوان یک معلم از مشاهداتش می‌گوید: «دانش‌آموزان امروزی که در خانواده‌های کم‌جمعیت هستند، معمولا ارتباطات اجتماعی‌شان بسیار ضعیف است و بیشتر به خانواده متکی هستند. اگر خانواده دست از پشتیبانی آنها بردارد، از زندگی اجتماعی بازمی‌مانند. برای همین مدرسه به‌عنوان یک محیط کنترل‌شده به